



# دسته بندی نحوی و معنایی پرواکیله‌ها در فارسی

سراسر جهان فارسی‌زبان، از ایران گرفته تا افغانستان و تاجیکستان، از دیرباز در زمینه فرهنگ و ادبیات شفاهی از پیشینه‌ای بسیار دیرپا و متنوع برخوردار بوده است و از آن‌جا که حفظ کردن و به خاطر سپردن مفاهیم همواره از اجزای همیشگی فرهنگ ایرانی بوده است، در نتیجه، در ادبیات فارسی قافیه‌پردازی یا آهنگین‌سازی (rhyming)، به عنوان پشتیبان حافظه، دارای نقش برجسته و خاصی بوده است. به همین دلیل و در کل به دلیل سابقه ادبیات شفاهی، فارسی‌زبان‌ها از دیرباز نسبت به الگوهای آهنگین‌سازی واژه‌ها و تعبیرات دارای حساسیت خاصی بوده‌اند. هدف این مقاله این است که در مورد ابزارهای صرفی و نحوی مورد استفاده در شکل‌گیری الگوهای آهنگین‌سازی یا قافیه‌پردازی واژه‌ها و عبارات و نیز در مورد چگونگی استفاده از

نوشته: دان ل. ف. نیلسن  
ترجمه: عباس امام

الگوهای تجانس و ترنم‌آوایی واژه‌ها (alliteration) و شباهت واکهای (assonance) تحقیق کرده و اثرات این الگوهای قافیه‌پردازی را بر دستور زبان فارسی مورد کنکاش قرار دهد. علاوه بر این، این مقاله می‌کوشد تا تعیین کند که کدام مقولات معنایی بیش از عناصر دیگر به پژواکینه (Echo Word) تبدیل می‌شوند.

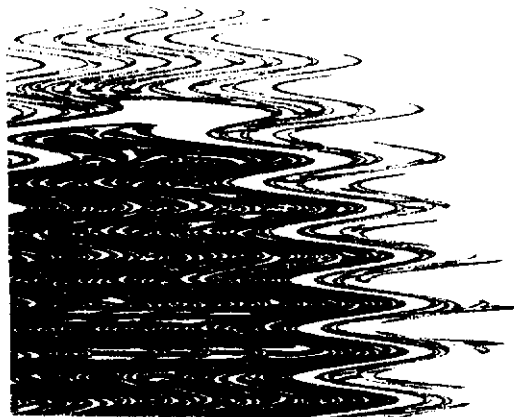
از جمله ابزارهای ساخت پژواکینه‌ها در زبان فارسی، استفاده از انواع گوناگون پسوندها و پیشوندها می‌باشد که البته این روش دارای برجستگی اندکی بوده و احتمالاً گویش‌وران فارسی‌زبان، کم‌تر در این مورد، آگاهانه به کار پرداخته‌اند. پسوندهای «ان» (علامت جمع) و «یی» (علامت نسبت) به علت بسامد کاربردی فراوان خود، به احتمال قوی جزو پسوندهایی هستند که باعث به وجود آمدن پژواکینه‌هایی مانند آنان (آن‌ها)، جانان (معشوق)، دانایان از سویی، و حشیشی، حریری و سیاسی از سوی دیگر شده‌اند، اما برخی دیگر از پسوندها نیز می‌توانند باعث به وجود آمدن پژواکینه‌ها بشوند، مانند پسوند حالت «آئه» در دانشمندانه و پسوند مکانی «زار» در خارزار. چند نمونه از حروف اضافه و پیشوندها نیز که می‌توانند باعث به وجود آمدن پژواکینه‌ها شوند، عبارتند از: در دریا، دم در، دوزنب (داری دم) ذوات ضرب (سازهای ضربی). نوع دیگری از ساخت پژواکینه‌ها در فارسی حروف ربط متناوب مانند چه... چه، خواه... خواه یا... و معادل‌های منفی آن‌ها نه... نه و... می‌باشند.

هرگاه یک فرد فارسی‌زبان بخواهد بر تداوم، تکرار، یا جنبه عادت بودن یک عمل خاص تأکید کند، در این صورت اغلب با استفاده از تکرار وجه وصفی زمان حال (یعنی آن) پژواکینه می‌سازد؛ پژواکینه‌هایی مانند کشان کشان و دوان دوان. این روش خاص، همچون بسیاری دیگر از روش‌های پژواکینه‌سازی فارسی، بیش‌تر در فارسی محاوره‌ای رایج است و نه در فارسی رسمی و ادبی.

برای ساخت پژواکینه‌ها از وجه وصفی زمان گذشته نیز استفاده می‌شود. نمونه‌های این مورد عبارتند از: زلزله‌زده، دنیا دیده و خداداد (ه) که معمولاً به عنوان اسم مورد استفاده قرار گیرد. در این گونه موارد بین این دو عنصر یک حرف ربط (حرف و) قرار داده می‌شود. مانند جست‌وجو (از ریشه جستن)، تاخت و تاز (از ریشه تاختن)، رفت و روب (از ریشه رفتن)، گفت‌وگو (از ریشه

گفتن)، دوخت و دوز (از ریشه دوختن)، کند و کاو (از ریشه کندن) و کاویدن. اما در بیش‌تر موارد در پژواکینه‌ها فقط سтак حال به‌عنوان پسوند مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این قبیل موارد، امکان استفاده از حرف ربط بین دو عنصر وجود ندارد. در این‌جا ما فقط تعداد معدودی از این‌گونه مثال‌ها را ذکر می‌کنیم خاطرخواه، باربر، خمیرگیر، گردن‌زن (به‌معنی دژخیم)، خاردار و پیش‌اندیش (به معنی دوراندیش). و از دیگر روش‌های رایج ساخت پژواکینه‌ها در فارسی این است که برای جعل الگوی واژه‌سازی فوق‌الذکر با استفاده از هجای اول واژه به صورت صحیح آن، هجای دوم را به صورتی درمی‌آوردند که با هجای اولی تجانس آوایی داشته باشد، چنان‌چه هجای اول با هجای دوم هم حالت شباهت واکهای و هم حالت تجانس آوایی داشته باشد. در این صورت هجای دوم یا هجای اول هم‌قافیه خواهد شد، ولی این وضعیت شرط لازم این فرآیند نیست. مثال‌های پژواکینه‌های مبتنی بر روش جعل هجای دوم عبارتند از ترکیباتی مانند تک و توک، دولو (به معنی دوتایی) و خوش و پیش.

صرف نظر از نوع رابطه بین بخش‌های پژواکینه‌ای کلمه یا ترکیب، اغلب اوقات این امکان وجود دارد که بدون ایجاد تغییر در معنا یا تغییر در تأثیر پژواکینه‌ای، اقدام به برگشت یا تکرار یکی از دو قسمت نمود. مانند تاب و تب که به صورت تب و تاب نیز تلفظ می‌شود، یا به خودی خود و خود به خود، بست و بند و بند و بست، دندان درد و درد دندان، دل‌درد و درد دل، سردرد، دردسر و... یکی از جالب توجه‌ترین حقایق در زمینه نحوه پژواکینه‌ها در زبان فارسی وجود حرف ربط یا عنصر ربطی (connective) مشخصی است که در هیچ‌جا زبان فارسی کاربرد ندارد، مگر به صورت قید ربطی یا رابط که به صورت «ا» تلفظ می‌شود و در کلمات و ترکیباتی مانند این مثال‌ها یافت می‌شود؛ کشاکش، چکاچک، برابر، بینابین، پیشاپیش، دمام، گوناگون، رنگارنگ، گرداگرد، سراسر و دورادور. البته در زبان فارسی ابزارهای نحوی بسیار دیگری نیز برای پژواکینه‌سازی وجود دارد. به عنوان مثال، در روابط توصیفی اغلب حالت پژواکینه‌ای مشاهده می‌شود، مانند چاردیوار همچنین در مورد برخی ترکیبات فعل نیز امکان جنوه پژواکینه‌ای وجود دارد، مانند دستکش دست کردن. افزون بر این، در فارسی تعبیرات



مستمر). در پاره‌ای موارد پژواکینه‌ها نماینده نام‌آواها هستند (مانند شرشر). در برخی موارد بیان شدت، مانند شدت سر و صدا، به کار می‌روند (مانند قیل و قال). در بعضی موارد برای اثرگذاری شاعرانه به کار می‌روند (مانند بلبل). گاهی اوقات برای بیان نحوه انجام یک کار مورد استفاده قرار می‌گیرند (مانند کم‌کم) و گاهی اوقات نیز نشان‌دهنده آواهای کودکان می‌باشند (مانند بابا).

اما با این همه، این مثال‌ها نمایشگر تصویر تمام‌نمای محدودیت‌های معنایی پژواکینه‌ها نمی‌باشند. برخی حوزه‌های معنایی مشخص وجود دارند که استعداد خاصی برای تبدیل به ساختارهای پژواکینه‌ای دارند. به عنوان مثال، می‌توان از حوزه‌های حسن لامسه، نور و صدا نام برد. پژواکینه‌هایی مانند دغدغه، غلغلک و گرماگرم مبین حسن لامسه هستند. سو، دبدبه و زرق و برق معرف حسن بینایی و جیرجیر، پرپر و جفجفه نشان‌دهنده اصوات و صداها می‌باشند. البته پژواکینه‌های صوتی را می‌توان به چندین دسته کوچک‌تر تقسیم کرد، از جمله نام‌آواهای برگرفته از صدای حیوانات مانند جیک جیک، ویزویز، واق واق و نام‌آواهای برگرفته از انواع صداهای انسانی مانند من من، غرغر و بیج بیج و نام‌آواهای برگرفته از انواع صداهای تولیدشده توسط اشیای بی‌جان، مانند قل قل یا غلغل، جق جق و تق تق.

البته اگر پژواکینه‌ها را در یک دسته‌بندی کلی قرار دهیم، این دسته‌بندی شامل پژواکینه‌های شنیداری، دیداری و احتمالاً پژواکینه‌های لامسه‌ای خواهند شد. در زبان فارسی تعداد بسیار زیادی پژواکینه وجود دارد که دارای معنای کلی غلیان، جتجال، هیاهو، داد و فریاد و آشفتنگی می‌باشند. بی‌آنکه بخواهیم بین تفاوت‌های جزئی معنایی این‌گونه واژه‌ها و تعبیرات تمایزی قائل شویم، چند مورد از آن‌ها را به این ترتیب برمی‌شمریم؛ جنب و جوش، تار و مار، هیاهو، همه‌همه، هرج و مرج، قیل و قال، قال و مقال، غوغا، سر و صدا، درهم و برهم و...

همچنین، در فارسی بسیاری مفاهیم قیدواره‌ای نیز وجود دارند که می‌توانیم آن‌ها را به عنوان تعبیرات پژواکینه‌ای به حساب آوریم. قیدواره‌های مکان‌نا شامل تعبیراتی مانند در برابر، بینابین، پس و پیش و قیدواره‌های زمان‌نا نیز شامل تعبیراتی همچون پشت در پشت (به معنی نسل اندر نسل) و دیردیر (به معنی به ندرت) می‌باشد. تعدادی تعبیر پژواکینه‌ای نیز وجود دارد که به معنای گاه‌گاه، یا گاهی اوقات می‌باشند، مانند دفعه دفعه، گاه‌گاه، گاه‌گاهی و گاه و بی‌گاه. علاوه بر این، تعداد بسیار زیادی تعبیرات به معنای مرتباً، پشت سر هم و مستمراً وجود دارند، که از بین آن‌ها می‌توان به دمامد و پیایی

پژواکینه‌ای جالبی مانند خوش خط و خال. علاوه بر این، ضرب‌المثل‌هایی نیز در فارسی وجود دارد که دارای جلوه‌های پژواکینه‌ای هستند، مانند دیوار موش داره، موش هم گوش داره. اما هدف ما در این مقاله نه بحث این گونه موارد، بلکه فقط در حال حاضر ذکر آن‌هاست.

نوع دیگر تعبیرات پژواکینه‌ای که در چارچوب فعلی ما قرار نمی‌گیرند، عبارتند از تکرار صفات یا تکرار قیدها به خاطر ایجاد یک تأکید معین و مشخص، مانند یواش یواش حرف زد یا حیوان‌هایی کوچولو کوچولو تند می‌دوند. این مقاله به این‌گونه تعبیرات پژواکینه‌ای نمی‌پردازد، چراکه هدف عمده مقاله محدودیت‌های نحوی - معنایی ساخت پژواکینه‌هاست در صورتی که می‌دانیم مثال‌های پیش گفته محدودیت خاصی ندارند یا محدودیت‌های آن‌ها آن‌قدر ظریف است که من فعلاً قادر به تشخیص آن‌ها نیستم.

سرانجام، آخرین مجموعه پژواکینه‌ها (که البته در این جا مورد بحث ما نخواهند بود) پژواکینه‌هایی هستند که احتمالاً به صورت آگاهانه ساخته نمی‌شوند، چراکه به هیچ وجه دارای یک ساختار درونی نمی‌باشند. از نمونه‌های این‌گونه پژواکینه‌ها می‌توان از برادر و داماد نام برد. تا این جا، موضوع مورد بحث ما ابزارهای گوناگون نحوی ساخت پژواکینه‌ها در زبان فارسی بوده است. اما به رغم جالب توجه بودن این گونه پژواکینه‌ها، این مثال‌ها نمی‌توانند به ما نشان دهند که چرا ایرانی‌ها این همه از پژواکینه‌ها به صورت گسترده استفاده می‌کنند. پژوهش در مورد برخی محدودیت‌های معنایی پژواکینه‌های زبان فارسی احتمالاً تا حدی پاسخ ما را خواهد داد. به طور کلی، از پژواکینه‌ها برای بیان یک دسته مفاهیم معنایی خاص استفاده می‌شود. گاهی اوقات این ساختارها، معرف تکرار هستند، مانند تاپ‌تاپ، تیخ تیخی و خانه‌خانه (به معنی شطرنجی). گاهی اوقات نشان‌دهنده تداوم و استمرار می‌باشند، مانند فرفر (به معنی به‌طور

اشاره کرد.

نحوی در شکل‌گیری آن‌ها نقش مهمی دارند و این روش در واقع ساخت پژواکینه از واژه‌های مترادف یا متضاد با واژه اصلی است.

هرچند پیش از این مثال‌های مربوط به این نوع پژواکینه‌ها را برشمرده‌ایم، ولی تاکنون این تعبیرات به صورت یک دسته و مقوله مورد بحث قرار نگرفته‌اند و حال بهتر است در پایان مقاله از هر گروه چند مثال ذکر کنیم. مثال‌های مربوط به پژواکینه‌های مترادف‌نما عبارتند از تر و تازه و نیست و نابود، و مثال‌های متضاد‌نما نیز عبارتند از تند و کندکن (پدال گاز خودرو)، کشمکش و... این مثال اخیرالذکر نشان‌دهنده این است که گاهی اوقات متضادها مبتنی بر شکل مثبت و منفی شده یک تعبیر واحد هستند.

در پایان امیدوارم توانسته باشم نشان دهم که تعداد پژواکینه‌های زبان فارسی چندان کم نیست و روش ساخت آن‌ها نیز به دور از ارزشمندی نمی‌باشد. پژواکینه‌های فارسی نه تنها در گفتار غیررسمی، بلکه در گفتار بسیار رسمی نیز کاربرد دارند. امیدوارم همچنین توانسته باشم نشان دهم که فارسی‌زبان‌ها برای ساخت پژواکینه‌ها اغلب از ابزارهای معینی استفاده می‌کنند و نیز برخی مقولات معنایی مشخص می‌توانند باعث به وجود آمدن پژواکینه‌ها شوند. البته هدف اصلی این مقاله نه ارائه یک قاعده کلی در این زمینه، بلکه طرح این نظر است که پژواکینه‌های زبان فارسی می‌توانند از نظر پژوهش‌های دستوری یک حوزه بکر و در عین حال پربار محسوب شوند و امیدوارم پژوهشگران ایرانی پژوهش‌های بیش‌تری را در این زمینه به انجام برسانند.

#### پی‌نوشت:

۱. نسخه اولیه این مقاله با عنوان Syntactic and Semantic Categories of Echo Words in Persian در سال ۱۹۷۱ میلادی در یکی از همایش‌های زبانی - زبان‌شناختی دانشگاه کلورادو، در شهر «دنور» آمریکا، گردیده است.
۲. در زمان نگارش مقاله (۱۹۷۲ میلادی) نویسنده مقاله، مسئول بخش زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه آیوای شمالی، واقع در شهر سیدار فالز آمریکا، بوده است.



این‌گونه مفاهیم را که به معنای مستمر و دائمی می‌باشند، می‌توان به دو دسته تعبیرات زمان‌نما و رفتارنما تقسیم کرد. در واقع، یکی از بزرگ‌ترین دسته‌بندی‌های معنایی پژواکینه‌ها در زبان فارسی حوزه قیدواره‌های رفتارنما می‌باشند که در اغلب موارد روش ساخت آن به این ترتیب است که از تکرار صفت به دست می‌آید. از مثال‌های این دسته صفات می‌توان از نرم نرم (آهسته آهسته) و بلند بلند (با صدای بلند) نام برد. گاهی اوقات نیز تکرار، معرف یک الگوی رفتاری تکراری است مانند یکسایک و حرف به حرف. رایج‌ترین زیرمجموعه قیدواره‌های رفتارنما، به معنای به تدریج و اندک اندک می‌باشد که از بقیه اعضای این زیرمجموعه تعابیر زیر قابل ذکر می‌باشند؛ خرد خرد، خوش خوش، ذره ذره، نرم نرمک، یواش یواش، آهسته آهسته، اندک اندک، کم کم. نکته این‌جاست که هرچند همه این تعابیر دارای معنای تحت‌اللفظی می‌باشند، ولی بعد از تبدیل شدن به پژواکینه، در تمام موارد، مفهوم آن‌ها معنای به تدریج افاده می‌کند.

باید خاطر نشان ساخت که پژواکینه‌ها فقط به حواس و انواع گوناگون تعبیرات قیدواره‌ای محدود نمی‌شوند. علاوه بر این‌ها، برخی مفاهیم بسیار مهم اسمی نیز در فارسی وجود دارند که اغلب به صورت تعبیرات پژواکینه‌ای بیان می‌شوند. در زبان فارسی، مانند بسیاری از دیگر زبان‌های دنیا، زبان کودکانه پر است از پژواکینه، که از بین این پژواکینه‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: پاپا (پدر بزرگ)، بی‌بی (مادر بزرگ)، بابا، ننه، ماما، کوچولو کاکا، دده (خدمت‌کار سیاه‌پوست)، دادا (خدمت‌کار پیر) و حتی نی‌نی (کودک). در نام‌های پاره‌ای بازی‌های کودکان نیز می‌توان ویژگی پژواکینه‌ای بودن را مشاهده کرد؛ فرزه، الک دولک، رورو (وک) و اکردوکر.

البته تعبیرات پژواکینه‌ای به زبان کودکانه محدود نمی‌شود. یکی دیگر از دسته‌بندی‌های مهم معنایی پژواکینه‌ها در فارسی، نام‌های حیوانات می‌باشند، مانند یابوی تاتو، لک‌لک، چلچله، بلبل، بدبذک، جیرجیرک و مانند آن‌ها. از دیگر حوزه‌های پربار این نوع تعبیرات، اسامی مربوط به اعضای متفاوت بدن می‌باشند، از جمله نی‌نی (گوشه چشم)، یا نام‌های خوراکی‌ها، مانند فلفل، الویسالو، کشمش... یکی از جالب توجه‌ترین دسته‌بندی‌های پژواکینه‌ها، پژواکینه‌های حالت‌نما هستند، مانند خال خال، خشت خشت (شطرنجی شکل)، راه راه و خط خط.

به عنوان آخرین نکته، بایستی به دو روش بسیار معمول واژه‌سازی اشاره کرد که ملاحظات معنایی و